

اوضاع اقتصادی ایلخانان در عصر گیخاتو (۶۹۴-۶۹۰ هـ.ق)

دکتر جواد عباسی^۱

جلیل قصابی گزکوه^۲

محمدرضا بهشتی^۳

چکیده:

دوره تقریباً چهار ساله ایلخانی گیخاتو، بحران مالی و نابسامانی در امور اقتصادی به همراه داشت. وی به امور مهم کشور اهمیت چندانی نمی داد و بیشتر اوقات به خوشگذرانی می پرداخت. از این رو، اداره اوضاع مملکت در دست امیران و به ویژه وزیرش، صدرالدین زنجانی، قرار داشت. بذل و بخشش های بی رویه گیخاتو و صدرالدین، به همراه شیوع بیماری دامی به نام «یوت» و وضعیت نابسامان مالیاتی، خزانه دولتی را با مشکل مواجه کرده بود. کوشش های صدرالدین برای پر کردن خزانه، انتشار چاو-پول کاغذی- را به دنبال داشت؛ که این مساله اوضاع اقتصادی را وخیم تر کرد. وضعیت مالیاتها که درست تقویم نشده بود، بر اوضاع کشاورزی، بازرگانی و تجارت تأثیر منفی گذاشت. اگر وضعیت مالی، پولی، تجارت و بازرگانی و کشاورزی را از مؤلفه های اقتصاد بدانیم؛ در دوره مورد بحث، به علت عدم توجه به این مؤلفه ها، اقتصاد ایران با بحران مواجه بود. این کار بر آن است تا اوضاع اقتصادی دوره گیخاتو را با شیوه پژوهش تاریخی بررسی کند.

واژگان کلیدی: ایلخانان، گیخاتو، اقتصاد، صدرالدین زنجانی، چاو.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد

۲. کارشناس ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی ghasabian.history@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی

تحولات سیاسی - اقتصادی:

گیخاتو دومین پسر اباقاخان بود که در سال ۶۴۰ ه.ق از مادرش نوقدان خاتون از قوم تاتار به دنیا آمد. بعد از تولدش، بخشیان وی را با آرزوی طول عمر، بقاء و تداوم دولتش «ایرنجین تورجی» نامیدند (وصاف ۱۳۳۸: ۲۶۰؛ رشیدالدین فضل‌الله ۱۳۷۳: ۱۱۸۹/۲). به دنبال مرگ ارغون (۶۹۰ ه.ق)، مدعیان زیادی برای کسب قدرت به تکاپو افتادند؛ شاهزادگانی از جمله اتابک لر و امیر نوروز و بهاءالدین تفتی‌یاغی شده بودند (منشی کرمانی، ۱۳۲۸: ۶۲). اما مهم‌ترین مدعیان حکومت گیخاتو در آسیای صغیر و روم، بایدواغول در منطقه بغداد و غازان خان در محدوده خراسان بودند (وصاف، همان: ۳۵۹؛ ابن فوطی ۱۳۸۱: ۲۸۰). البته، بیشتر امرا به رهبری شکتور نویان به طرفداری از گیخاتو پرداختند. این مسئله باعث نارضایتی گروهی به رهبری طغاجار و امیرچوپان شد که خواهان بایدواغول بودند (رشیدالدین فضل‌الله، همان: ۱۱۹۰؛ شبانکاره‌ای، ۱۳۶۳: ۵۱۷). نتیجه این رقابت‌ها، پیروزی جناح طرفدار گیخاتو بود. آنان از وی برای سلطنت دعوت کردند. گیخاتو نیز که این زمان حکومت ایالت روم و آسیای صغیر را بر عهده داشت (افلاکی، ۱۳۶۲: ۳۳۱/۱) شاهزاده باقمیش قوشچی را با «یک تومان» [ده هزار سپاه] به عنوان پیش قراول فرستاد تا موانع را از سر راه بردارد. در این میان امرای مخالف، دوباره دست به کار شدند و ایلچیان نزد بایدواغول فرستادند که ایلخانی حق توست، اما بایدو که عاقبت‌اندیش و از خیانتِ امرا بیمناک بود، پیغام داد که «در یاسای چنگیزی، استحقاق خانیت را یا پسر دارد یا برادر، با وجود این دو، مرا شایسته نیست که در این راه پای گذارم» (وصاف، همان: ۲۶۹). سرانجام، گیخاتو در روز یکشنبه بیست و چهارم رجب سال ۶۹۰ ه.ق در حدود اخلاط تاج‌گذاری کرد، هرچند رشیدالدین آن تاج‌گذاری را از روی بی‌میلی و اکراه ایلخان دانسته است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۸۲).

یک سال بعد از سلطنت گیخاتو، ترکمانان در سال ۶۹۱ ه.ق در مناطق روم سر از اطاعت برداشتند. به همین دلیل گیخاتو، شکتور نویان را که نقطه‌ی اتکاء وی بود، بر مسند خانی گذاشت و برای رفع آن بلیه عازم روم شد (آقسرائی، ۱۳۶۲: ۱۷۰؛ منشی

کرمانی، همان: ۶۳؛ شبانکاره‌ای، همان: ۵۱۷). در مدت غیبت ایلخان جوان، طغاجار و صدرالدین زنجانی به فکر جایگزینی در امر حکومت برای او بودند؛ اما شکتور نویان مانع آنان شد. همچنین شاهزاده انبارچی که نائب گیخاتو در محدوده ی شرقی سرزمین-های تحت سلطه وی حکومت می‌کرد، آرزوی سلطنت در سر داشت تا این که بازگشت گیخاتو باعث عقب‌نشینی وی شد (وصاف، همان: ۲۶۱، ۲۵۹). بی‌گمان در اوایل حکومت گیخاتو، هر یک از حکام در اندیشه قدرت‌یابی بودند تا در این زمینه از هم پیشی گیرند. این رقابت‌ها و تنش‌های سیاسی منجر به جنگ‌های طولانی می‌شد که تلف شدن منابع انسانی، مالی و کشاورزی را به دنبال داشت و از این حیث در اوضاع اقتصادی مملکت تأثیر منفی می‌گذاشت.

گیخاتو پادشاهی سهل‌گیر بود و به قول مارکوپولو: از زندگی آسوده «بسیار خوشش» می‌آمد (مارکوپولو، ۱۳۶۹: ۲۴۴). وی در برخورد با افراد شورشی راه مماشات می‌پیمود. از نمونه های آن، رفتار وی با شورش های اتابک یوسف شاه در یزد و افراسیاب لر است. وی به جای تنبیه، آن‌ها را بخشید. طوری که وصاف الحضرة شیرازی، چشم پوشی گیخاتو از افراسیاب لر را عجیب‌ترین غرائب و غریب‌ترین عجایب دانسته اند (وصاف، همان: ۲۶۷-۲۶۶). این احتمال وجود دارد که دلیل خودداری گیخاتو از خونریزی، تأثیر فراوانی بود که وی از قامن بودایی می‌پذیرفت. چرا که، وقتی گیخاتو علت کوتاهی سلطنت ارغون را پرسید، قامن بودایی دلیل آن را، قتل شاهزادگان، امرا، سپاهیان و خونریزی افراطی ارغون عنوان کردند. به همین دلیل گیخاتو برای قوام و دوام سلطنت اش، تمایل چندانی به خونریزی نداشت (وصاف، همان: ۲۶۶؛ میرخواند، ۱۳۲۹: ۳۶۵/۵). گیخاتو به لحاظ شخصیتی، شایستگی ایلخانی را نداشت، چرا که وی «راه هتک و دست‌اندازی به نوامیس مردم پیش گرفت، پسران و دختران امرا نیز بی‌نصیب نماندند...دراین مسئله افراط تمام داشت». در باره ی بخشش زیاده از حد گیخاتو، خواندمیر می‌نویسد: «گیخاتو باتفاق مورخان، سخی‌ترین اولاد هولاکوخان بود، چنانچه در اندک زمانی، تمامی خزائن آباد اخوان خود را بر شاهزادگان و خوانین و امرا تقسیم فرمود». گیخاتو گمان می‌برد که با بخشش زیاد می‌تواند عمر حکومت خویش را بیشتر کند. وصاف بخشش عطایا از طرف گیخاتو را «تصور کژی» می‌دانست که از این حیث

می‌تواند حکومتش را تداوم بخشد (وصاف، همان: ۲۸۱؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۱۳۶/۳). بی‌قیدی و عدم تمایل گیخاتو به امور مملکتی باعث می‌شد تا امور و مصالح مهم کشوری به دست امرا بیافتد و روند رتق و فتق اوضاع مملکت مختل شود، چون گیخاتو، بیشتر وقت خود را صرف تفریح و شکار و عیش و نوش می‌کرد. هر چند امرا و مقربان با تجربه به وی تذکر می‌دادند و گوشزد می‌کردند، او اعتنایی نداشت. (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۱۷۵؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۳۶۷/۵). با این وجود، به گزارش ابن زرکوب: در دوره سلطنت گیخاتو، امور حکومتی، کشوری و لشکری به هم ریخته و احوال مملکت مختل شده بود (ابن زرکوب، ۱۳۵۰: ۹۷).

مرگ گیخاتو، بی‌ارتباط با شخصیت وی نبود. چون بیشتر اوقات در حال عیش و نوش بود. «یک شب از سرمستی آیت طفلی را فرمود مشتی بر بایدو زد و وی را مورد تحقیر قرار دادند، هر چند روز بعد عذر خواست، اما بایدو مصمم به نابودی گیخاتو بود». بایدو که به مقر حکومت خود در دقوفا رفته بود، در آن‌جا شورش کرد (حمدالله مستوفی، ۱۳۶۲: ۶۰۱). گیخاتو، امیر طغاجار را برای دفع بایدو روانه کرد، اما وی به ولی‌نعمت خود، گیخاتو، خیانت کرد و به بایدو پیوست. در نتیجه، گیخاتو در ناحیه بیلِه سوار از آن‌ها شکست خورد و به دست طغاجار و قنچق بای و طولابای اسیر شد و سرانجام او را با زه کمان خفه کردند. اما بایدو اغول علت مرگ گیخاتو را؛ خودداری گیخاتو از «ترتیب اسباب ملک‌داری» و تغییر در یاسای چنگیز آورده است. از این حیث «باتفاق آقا و اینی و خواتین و امرا او را برداشتیم» (وصاف، ۱۳۳۸: ۲۷۹، ۲۸۴). بنا بر این، بی‌قیدی و بی‌اعتنایی گیخاتو به ارزش‌های اخلاقی، یکی از علل سقوط او بود. به همین دلیل، وی را، ناقابل‌ترین ایلخان می‌دانند و دوره ی او را، شروع انقراض دودمان ایلخانی قرار داده اند (اشپولر، ۱۳۵۱: ۹۲).

به هر حال اوضاع سیاسی در این دوره با بحران جانشینی مواجه بود. این موضوع به دنبال خود جنگ‌های هزینه‌آوری دربر داشت. نا کارآمدی ایلخان گیخاتو در زمینه حکومت داری مزید بر علت بود که امور مهم کشوری و لشکری را به دست افراد نالایق می‌سپرد.

اوضاع مالی:

اوضاع مالی و اقتصادی دستگاه حکومتی در زمان سلطنت کوتاه مدت گیخاتو، دچار بحران و نابسامانی بود. این نارسایی‌ها تحت‌تأثیر عوامل متفاوتی قرار داشت که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود. گیخاتو فردی بخشنده بود و در این راه اسراف کاری می‌کرد، وی نه تنها ثروتی به خزانه اضافه نکرد؛ بلکه باعث خالی شدن آن هم می‌شد، به طوری که اگر یک ایلچی از ولایات دور و نزدیک می‌آمد، چیزی برای هدیه دادن به او یافت نمی‌شد (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۱۳۸).

برای نمونه یکسال موجودی خزانه ی گیخاتو را بررسی کردند که مبلغی در حدود ۱۸۰۰ تومان بود. از این بین ۷۰۰ تومان صرف پرداختی‌ها و مواجب دیوان‌ها بود و باقیمانده آن را صرف دادن هدایا و عطایا کرد. درحالی که، خرج مطبخ شاهزادگان و خواتین در زمان اباقاخان و سلطان احمد ۴۰ تومان بود. این مبلغ در دوره گیخاتو به ۱۶۵ تومان می‌رسید (وصاف، همان: ۲۷۱). بریایی جشن‌های وی نیز با بذل و بخشش فراوان همراه بود. حتی صدقات فراوانی به علما و سادات و ارباب فضل می‌داد. برای نمونه زمانی که وی در روم حکومت می‌کرد نیز نسبت به «اهالی صوفی مسلک، بخصوص بهاء الدین ولد عنایت خاصی پیدا کرده بود» (افلاکی، ۱۳۶۲: ۶۱۳/۲) به طوری که خزانه‌ای که «دیگر خانان آن را چون دانه دل در صدف سینه محافظت می‌فرمودند تمامت بر خواتین و بنات قسمت فرمود و می‌گفت که امثال این متاع در خور ایشان است تا بدان آرایش کنند و گرنه چه در خزانه پادشاهی بی‌فایده بماند و چه در داخل دریاها باشد» (وصاف، همان: ۲۷۳؛ میرخواند، همان: ۳۶۶).

خواجه صدرالدین احمد زنجانی، از قاضی‌زادگان اصیل ایرانی، وزیر گیخاتو نیز در بخشش خزانه دست کمی از پادشاه نداشت، «والحق او در کرم و جود و سخاوت رقم نسخ بر مکارم صاحب ری و حاتم طی کشید و در ایام حیات هرچه از هر جهت حاصل کرد در وجه انعام سادات و علما و فضلا و مشایخ مصروف گردانید» (خواندمیر، ۱۳۵۵: ۳۰۵). در باره ی بذل و بخشش بیش از اندازه ی گیخاتو و وزیر او آورده اند:

چو بخشنده بودند، وزیر و پادشاه
نمی کرد مالِ ولایت وفا
نبُد در خزانه درم را قرار
بخط خرج رفتی زر هر دیار

(کاشانی، ن.خ. شماره ی: ۵۸۵، ورق ۲۹۲)

سرانجام این بذل و بخشش های خواجه صدرالدین وزیر، باعث شد تا در سال ۶۹۹ه.ق به دستور غازان به اتهام اختلاس، تبذیر و اسراف در خزانه و مختل کردن «مصالح چریک و آش اردوهای خواتین و هدر دادن خزانه» به قتل رسید (وصاف، ۱۳۳۸: ۳۴۶؛ خواندمیر، همان: ۳۱۲؛ ابن فوطی، همان: ۲۹۸). نگرش غیراقتصادی گیخاتو در بذل و بخشش ها، آن طور بود که وصاف آن را «تصور کژ»ی برای تداوم حکومتش می داند. در زمان گیخاتو، دوره جنگ های پرغنیمت، تصرف و غارت شهرهای ثروتمندی چون سمرقند و بخارا و ری و بغداد سپری شده بود و از فتح بغداد چند سالی می گذشت. در این مدت، منابع و ذخائر بدست آمده از غارت به تحلیل رفته بود. با این وجود، علی رغم تلاش های فراوان در کار جنگ های خاور نزدیک توفیقی کسب نکرده بود (اصفهانیان، ۱۳۵۷: ۱۰۳؛ بیانی، ۱۳۷۱: ۳، ۹۶۶). همان طور که قبلاً اشاره رفت، گیخاتو نسبت به افراد شورشی که باعث اتلاف منابع پایه و زیربنای می شدند، شدت عمل به خرج نمی داد. مسئله جنگ ها از سویی، خود به خود هزینه های سنگین روی دوش دربار و به تبع آن بر گرده رعیت مالیات پرداز می گذاشت. از سویی دیگر، کافی نبودن مالیات ها و اموالی که از مردم جهت پرداخت مواجب سپاهیان می گرفتند، این قشر از دولت را علیه گیخاتو تحریک می کرد.

مقارن همین سال ها، در بین رمه و احشام بیماری واگیری به نام «یوت» شیوع یافت، که باعث مرگ چهارپایان در اطراف بغداد، موصل، دیار بکر و خراسان شد (وصاف، همان: ۲۷۱). مرگ و میر در بین احشام، ارزنده ترین منبع درآمد ایلخان باعث خالی شدن خزانه شده بود. از این رو، دولت توانایی تجهیز کردن سپاه را هم از دست داده بود. با این وضعیت، استقراض از تجار و ارتاق های بازرگانی نیز جواب گوی مخارج دولت نمی شد (همان: ۲۷۱؛ میرخواند، همان: ۳۶۸). با توجه به این که متداول ترین واحد مسکوکات در زمان ایلخانان دینار بود، ناهمگونی در زمینه عیار و ارزش این مسکوکات در سراسر مملکت به چشم می خورد. از این رو، بحران و نابسامانی اقتصاد مملکت را از

روی وزن و عیار سکه‌های ضرب شده می‌توان تشخیص داد. تقلیل منظم وزن و عیار سکه‌ها، نشان‌دهنده میزان بحران در این دوره بود (اصفهانیان، ۱۳۵۷: ۱۰۴). وخامت اوضاع جامعه به اندازه‌ای بود که بسیاری از مردم «به جهت درویشی» فرزندان خود را می‌فروختند (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۱۸۲). تورم و گرانی در جامعه بوجود آمده بود؛ طوری که، هر من نان به قیمت یک دینار و یک اسب ۱۵ دیناری به ۱۵۰ دینار چاو خرید و فروش می‌شد (وصاف، همان: ۲۷۴).

وضعیت پولی:

امرا و بزرگان برای رفع مشکل مالی به تکاپو افتاده بودند. در این بین، عزالدین مظفر، فردی که از مسائل چین آگاهی قبلی داشت به صدرالدین زنجان، وزیر گیخاتو، پیشنهاد نشر پول کاغذی به نام «چاو» کرد. وی نیز پذیرفت و به اتفاق هم به نزد گیخاتو رفتند و انتشار «چاو» را در مملکت ایلخان خواستار شدند. موضوع چاو در همان ابتدا، از طرف برخی امرا مانند شکتور نویان که فردی با تجربه بود؛ به این دلایل که سبب «خلل و خرابی ممالک»، «بدنامی پادشاه» و «پراکندگی رعایا و سپاه» می‌شود، با مخالفت مواجه شد. اما وزیر با اتهاماتی که به شکتور نویان زد، باعث عقب‌نشینی وی از این مسئله گردید (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۸۷). شمس الدین کاشانی در این باره آورده است:

در آن وقت، با شاه روی زمین	یکی سهمگین رای زد صدر دین
که گر شاه آفاق، فرمان دهد	رهی چاو در ملک ایران نهد
که تا چاو باشد روان و روا	در ایران چو در ملک چین و ختا
نباشد کسی مال را خواستار	بُود زر عالم بر شهریار

(کاشانی، نسخه خطی شماره ۵۸۵: روی ورق ۲۹۲)

گیخاتو بعد از بررسی موضوع به وسیله پولاد چینک سانگ، سفیر قآن در دربار ایلخان، یرلیغی مبنی بر انتشار چاو داد که، «پادشاه جهان در تاریخ سه ثلث و تسعین و ستمائه این چاو مبارک را در ممالک روانه کرد، تغییر و تبدیل کنندگان آن را با زن و فرزند به یاما رسانید، مال او را جهت دیوان بردارید» (وصاف، همان: ۲۷۲؛ رشیدالدین، ۱۳۷۳: ج ۲، ۱۱۹۷ و خواندمیر، ۱۳۶۲: ج ۳، ۱۳۷).

چو شاه از وزیر این سخن‌ها شنود پسندید و او را نوازش نمود
روان کرد یرلیغ که باشد روان به ایران درون چاو شد جاودان

(کاشانی، نسخه خطی شماره ۵۸۵: روی ورق ۲۹۲)

از این رو، دولت دستور داد تا در نواحی عراق عجم، دیار بکر، موصل، میافارقین، آذربایجان، خراسان، کرمان و شیراز، امیری جهت ایجاد چاوخانه فرستاده شود. که از این میان تنها در شیراز و تبریز چاو منتشر شد که تنها در شیراز نشر این اسکناس‌ها، ۵ تومان برای دولت هزینه برداشت (وصاف، همان: ۲۷۴).

چاو کاغذ پاره مستطیل شکلی بود که پیرامون آن چند کلمه خطایی و بر بالای آن از دو طرف لاله الا الله محمد رسول الله نوشته شده بود و پایین آن لقب مغولی گیخاتو یعنی «ایرنحین تورجی» به خط اوغوری آمده بود. در وسط دایره ای رسم بود که در داخل آن بهای چاو، از نیم درهم تا ده درهم مشخص شده بود (وصاف، همان: ۲۷۲).

نحوه تولید چاو به این طریق بود که با استفاده از چوب خمیر شده و چسب خمیر، نوعی کاغذ پشمی مانند پایروس به شکل چهارگوش درست می‌کردند. البته قدرت رقابت اقتصادی این پول در ممالک خان بزرگ با رغبت و میل مردم پذیرفته شده بود (مارکوپولو، ۱۳۶۹: ۱۱۳-۱۱۲).

توجیه منتشر کنندگان چاو، عزالدین و صدرالدین، که خالی از دلایل اقتصادی هم نبود؛ عبارت بود از: «در صورت رایج شدن آن [چاو] و انجام معاملات، مال فراوانی عاید خزانه خواهد شد، فقر و فاقه و ضرر و مسکنه را از میان خلق برطرف می‌کند، غلات و حبوبات را ارزان و فراوان می‌کند، غنی و فقیر را در درجه تساوی قرار می‌دهد». مسئله انتشار چاو در اشعار برخی از شاعران آن زمان با اقبال روبرو شده است. نکته مورد توجه این است که شمس الدین کاشانی، مورخ و شاهنامه نویس عصر غازان خان و اولجایتو، سیاست اقتصادی صدرالدین زنجانی در مورد انتشار چاو را سیاستی نیکو، اما خلاف میل و رغبت مردم آن زمان معرفی کرده است:

اگر چه نکو بود رأی وزیر ولیکن بُد خلق را دلپذیر

(کاشانی، ن.خ. شماره ۵۸۵: ورق ۲۹۲)

این در صورتی است که وصاف آن را وهم و خیال بانیان آن تلقی می‌کرد (وصاف، همان: ۲۷۳). در ابتدای انتشار، جهت تشویق در به کارگیری اسکناس کاغذی، آن را «چاو مبارک» می‌گفتند، اما بعد از ابطال، آن را «چاونا مبارک» خواندند (رشیدالدین فضل الله، ۱۳۷۳: ۱۱۹۷/۲). به هر روی، با وجود تهدیدهای شدید در زمینه استفاده از آن، چون از لحاظ اجتماعی، مردم «چاو» را نمی‌شناختند، مورد استقبال قرار نگرفت و رواج اسکناس در ایران امری تحمیلی و یک سویه تلقی شد. چون موجودی مسکوکات کم بود و نمی‌توانست پشتوانه محکمی، برای اسکناس جدید باشد. از طرف دیگر، چون مردم نسبت به مغولان بی‌اعتماد بودند در زمینه نوآوری پولی، مردم را با مقاومت مواجه کرده بود (رضوی، ۱۳۸۸: ۴۲۸). به دنبال یرلیغ گیخاتو و از طریق ترساندن با شمشیر، چاو تنها به مدت یک هفته به صورت قانونی پذیرفته شد؛ آن هم با جلای وطن مردم همراه بود، ولی در محدوده تجارت خارجی به طور منظم مورد نفی قرار گرفت (پتروشفسکی، ۱۳۶۶: ۹۹). در نهایت فریاد تظلم‌خواهی و اعتراض مردم از همه جای مملکت بلند شد و «کار به جان و کارد به استخوان و دود از نهان اهل حرفت برآمد». در نتیجه امرا و شاهزادگان به همراهی صدر جهان به ایلخان عرض کردند؛ اگر وضع به همین منوال پیش رود، باید از رونق و پیشرفت مملکت دست شست. گیخاتو چون این سخنان را شنید، حکم به ابطال «چاو» کرد و مردمی که به اضطرار از تبریز رفته بودند، برگشتند (وصاف، همان: ۲۷۵؛ آقسرائی، همان: ۱۸۲).

هرچند از لحاظ ظاهری، چاو ترکیبی از سنت‌های چینی و اسلامی بود. اما رواج آن و ممنوعیت استفاده از طلا و نقره برای فعالان صنعتی کاری غیرقابل تحمل بود (رضوی، ۱۳۸۸: ۴۲۹). تعطیلی کارگاههای صنعتی، بیکاری صنعتگران و هنرمندان که قشر وسیعی از جامعه بودند، اعتبار صنعتی و هنری مملکت را از بین برد. بنا کردن چاوخانه‌ها، استفاده از افراد زیادی جهت کار در چاوخانه‌ها و از تولید چاو تا رساندن آن به بازار و عرضه آن هزینه‌های فراوانی برای دولت بحران زده بود که نه تنها به ترفیع حال رعیت و سامان دادن امور مالی کمک نمی‌کرد بلکه رکود و بحران و نابسامانی امور مالی و اقتصادی را دامن می‌زد.

به نظر می‌رسد انتشار چاو بیشتر بر خلاف میل کسانی بود که داد و ستد شهری و مبادلات بازرگانی داشتند و همچنین از حقوق بگیران دولت بودند؛ چون در غیر این صورت، در اقتصاد روستایی که معیشت خود را از طریق برداشت محصولات کشاورزی، استفاده از محصولات دامی و در مواردی هم از مبادلات کالا به کالا تامین می‌کردند و کمتر با مبادلات پولی سر و کار داشتند؛ گمان نمی‌رود که خیلی با این سیاست مخالفت کرده باشند. همان طور که کاشانی اظهار کرده است؛ از اجرای این سیاست اقتصادی، دادِ مردمان شهری و سپاهیان که حقوق بگیر دولت بودند، درآمده است:

نوشتند چاو و از آن بارها	به هر شهر بردند خروارها
که باید که داد و ستد بعد از این	بدین چاو باشد به ایران زمین
جهان زین حکایت برافتاد خواست	همی هرکس از دست اوداد خواست
زِ کردار و گفتار شاه و وزیر	سپاهی و شهری بُد اندر نفیر
که می‌کرد این کار، مردم تباه	که می‌برد آن، نام و ننگ سپاه

(کاشانی، نسخه خطی ۵۸۵، روی ورق ۲۹۲)

مالیات:

اوضاع مالی کشور تابع شرایط کلی مملکت است. از این رو، بعد از غلبه مغولان بر ایران وضع مالیات‌ها نیز رو به نابسامانی گرایید. نظام مالیاتی مغولان، تلفیقی از روش‌های صحراگردان و سنن ایرانی اسلامی بود. اما خودسری متصرفان و عاملان دیوانی در وصول مال و خراج که قبل از حمله مغول، مالیات اصلی بود، وسیله تعدی به رعایا شد. این سیاست مالی، بر دوش دهقانان به شدت سنگینی می‌کرد، چرا که مالیات‌ها دقیقاً برآورده نشده بودند و به شیوه دلبخواهی جمع می‌شد. تا آن‌جا که پطروشفسکی از چهل و پنج اصطلاح مالیاتی در دوره ایلخانان خبر می‌دهد (پطروشفسکی، ۱۳۸۱: ۵۰۲).

گیخاتو در ابتدای سلطنت اش، برای تعمیر خرابی شهرها و رفاه حال مردم و دلجوئی از آن‌ها و نظم بخشیدن به امور مملکتی مقرر فرمود، تا از گرفتن مالیات‌ها و تکالیف زاید جلوگیری شود و رعایا از این منظر مصون بمانند، چرا که در اوایل حکومتش خزانه به وسیله ارغون و وزیر کارآمدش سعدالدوله مملو از سرمایه بود (منشی کرمانی، ۱۳۲۸:

۶۳). اما به سبب بذل و بخشش‌های بی‌رویه و بحران اقتصادی که پیشتر از این ذکر شد، ایالات را به مقاطعه داد. از این‌رو، اقطاع‌داران مبالغ گزافی را به عنوان مالیات از رعایا اخذ می‌کردند. چون مصالح و منافع مقاطعان با دولت در یک راستا بود، «اگر هم کسی از مقطعان به دیوان بزرگ شکایت می‌کرد، حاکم بهانه می‌آورد که مال بر ولایت باقی است» (رشیدالدین فضل‌الله ۱۳۵۸: ۲۴۷).

علاوه بر آن، در دوره ی گیخاتو، در هر ولایتی اموال و حقوق دیوانی را به هر دلیل که امکان داشت اخذ می‌کردند. این موضوع از سوء تدبیر وزیران و امیران بود و دست‌آویزی برای گرفتن مال از رعایا بود که باعث خرابی ولایات می‌گردید. چنانچه، برخی از ولایات مانند عراق عجم و آذربایجان که در آنها مالیات قبیچور و تمغا متداول بود، این ولایات را به مقاطعه داده بودند. مقطعان، بنای تعدی گذاشته و مالیات واحد را سالی دوبار و در بعضی مواقع بیست تا سی بار، مالیات قبیچور را از رعایا به بهانه این‌که عواید قبلی تکافوی هزینه‌های مذکور را نمی‌دهد، طلب می‌کردند. این مسأله باعث جلای وطن رعایا می‌شد. برای نمونه؛ در ولایت یزد، فشار مالیات به اندازه ای زیاد بود که اگر کسی در تمام روستاهای آن‌جا می‌گشت، بی‌تردید یک آفریده هم نمی‌دید تا با او صحبت کند (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۴۹-۲۴۳). مستوفی در این باره می‌نویسد: شیوه مالیات‌گیری مغولان در قزوین باعث کوچ مردم شده بود؛ به نحوی که، در ولایتی چون قزوین به سبب سنگینی مالیات قبیچور، نماز جماعت، به دلیل کوچ مردم برگزار نمی‌شد (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۶۰۴).

وصاف از وجود مالیات «زوائد و نماری» که از افزایش خراج و دیگر مالیات‌ها حکایت می‌کند نام برده است (وصاف، همان: ۲۷۶، ۳۸۶). در دوره ی ایلخانان قبل از غازان، به خصوص گیخاتو، مستوفی قزوینی از مالیاتی به نام «اولاغ» نام می‌برد که رعایا مجبور به تهیه چهارپایان برای سواری و حمل و نقل بودند. وی همچنین از مالیاتی به نام «علوفه» یاد می‌کند که رعایا موظف به تهیه آذوقه و علوفه برای سرکردگان لشکری در نواحی معین بودند (مستوفی قزوینی، همان: ۶۰۴). این مالیات به عنوان «وجه علوفات» در تاریخ وصاف ذکر شده است (وصاف، همان: ۳۳۰).

اصطلاح «اخراجات» (وصاف، همان: ۲۶۹؛ نخجوانی، ۱۹۷۱: ۱۹۳) که معنی لغوی آن هزینه کردن است؛ به گروهی از مالیات‌های اتفاقی و دائمی مربوط می‌شود که رعایت جهت تأمین هزینه مأموران و صاحب‌منصبان دولتی به هنگام سفر در ولایات آنان پرداخت می‌کردند (پتروشفسکی، ۱۳۸۱: ۵۰۶) و «حرز» (وصاف، همان: ۳۸۶) مالیاتی برای برآورد مقدماتی محصول و مالیات‌های مشابه بود (پتروشفسکی، همان: ۵۰۷). وصاف از مالیاتی به نام «تمغا» که مخصوص صنعت گران بود و از مردم تبریز گرفته می‌شد، نام می‌برد (وصاف، همان: ۲۶۹؛ نخجوانی، همان: ۱۹۴). علاوه بر آن، رشیدالدین فضل‌الله در باره ی نحوه مالیات‌گیری و رعایت حال مردم عنوان می‌نویسد:

«باید حکام را سه خزینه باشد، اول خزینه مال، دوم خزینه سلاح و سیوم خزینه مأكولات و ملبوسات. و این خزاین خزاین خرج گویند و خزینه دخل رعیت است که این خزاین مذکور از حسن سعی و کفایت ایشان پر شود و چون احوال ایشان خراب باشد، ملوک را هیچ کامی به حصول نه پیوند» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۱۱۳ - ۱۱۲).

آنطور که پتروشفسکی می‌نویسد: «تمامی سنگینی بار مالیات در دوره ایلخانان بر دوش رعایای روستای و طبقات متوسط شهری بود و طبقات مرفه-اهل شمشیر و اهل قلم- یا از پرداخت مالیات معاف بودند یا آن را بر گرده روستاییان مزارعه کار املاک خود می‌افکندند» (پتروشفسکی، ۱۳۸۱: ۵۰۲). بنابراین در زمان حکومت گیخاتو، در زمینه دادن مالیات، به وضعیت معیشتی مردم توجه چندانی نمی‌شد و بیشتر هزینه‌های دربار از مالیات‌های که از مردم می‌گرفتن تأمین می‌گردید. این وضعیت مردم را نسبت به کار تولیدی و صنعتی بی‌انگیزه می‌کرد. در نتیجه، بیشتر رعایا؛ چون بیشتر درآمد خود را به عنوان مالیات می‌پرداختند یا جلای وطن میکردند و یا کار کمتری انجام می‌دادند. از این حیث، اوضاع مالیاتی نه تنها به نوبه خود باعث شکوفای اقتصاد نشد، بلکه برای صنعت و تولیدات کشاورزی، رکودی تدریجی به همراه داشت.

بازگانی و تجارت:

در ارتباط با چگونگی وضعیت تجارت و بازرگانی در عهد گیخاتو مطالب چندان صریحی در منابع مشاهده نمی‌شود. ظاهراً زمان حکومت گیخاتو در سرزمین‌های مغرب (روم و

آسیای صغیر) تجارت و بازرگانی از رونق و شکوفائی نسبی برخوردار بود و تجار قونیه تعاملات بازرگانی و تجاری با روم و سرزمین های داخلی ایران داشتند (افلاکی، ۱۳۶۲: ۸۵۸/۲). بعد از به قدرت رسیدن گیخاتو، گمان می رود، در پناه تزلزل سیاسی و زیاده خواهی امرا و خان زادگان که از ابتدای سلطنت وی آغاز شده بود، تجارت داخلی وضعیت مناسبی نداشته است. گذشته از آن، مشکلات مالی حکومت و فشار مالیاتی که بر رعایا وارد می شد، امکان رونق تجارت و صنعت را در شهرها از بین برده بود.

تجارت و بازرگانی در نزد مغولان جایگاه مهمی داشت و جوینی تجار را یکی از ارکان دولت بیان کرده است (جوینی، ۱۳۸۸: ۶۶/۳). مغولان قبل از تهاجمات خود، به کار تجارت اشتغال داشتند. حتی چنگیزخان نیز از تجار بزرگ مغول بود. وی در ابتدای روابطش با خوارزمشاه، از ایشان خواسته بود که تجار و بازرگانان آزادانه در ممالک دوطرف تردد کنند (جوزجانی، ۱۳۶۳: ۴۷۲/۱). چنگیزخان در یاسای خود سفارش بسیاری در مورد امنیت بازرگانان کرده است، تا کسی متعرض آنان نشود. این مسأله را در علت و شروع جنگ وی با خوارزمشاه به خاطر قتل کاروان بازرگانان مغولی در اترار می توان تبیین کرد (جوینی، همان: ۱۶۲/۱؛ شبانکاره ای، ۱۳۶۳: ۲۳۲).

عدم نظم و امنیت و ثبات پولی لازم، برای رونق فعالیت های بازرگانی، فرصت کمتری برای توسعه تجارت ایجاد می کرد و بی اعتمادی و رکود تجاری را به دنبال داشت. در عهد گیخاتو، مسیرهای ارتباطی تجاری از طریق خشکی به خوبی نگهداری نمی شد، حتی وی دست به احداث جاده های جدید نمی زد و از مسیرهای قدیمی تجاری استفاده می کرد (اشیولر، ۱۳۵۱: ۴۲۵). تنها هنگامی که سلطان و ملازمانش از نقطه ای به نقطه ای دیگر سفر می کرد، پیش بینی لازم انجام می گرفت (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۲۸۲/۱). حمدالله مستوفی از مسیرهای تجاری موجود در این دوره سخن می گوید که مهم ترین این مسیرها، مسیر تجاری فارس به کرمان، مسیر تجاری عراق عجم به فارس، شاهراه جنوبی از سلطانیه به نجف که از شهرهای همدان، قصر شیرین، اسدآباد، حلوان و بغداد عبور می کند. شاهراه شمالی از سلطانیه شروع می شود و به اران منتهی می گردد. مسیر جاده ابریشم که شاهراه ارتباطی شرق و غرب بود، در این دوره برای کاروانان قابل استفاده بود (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۱۲۴، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۸، ۱۸۳ و ۱۸۵). تجارت

دریایی نیز در صورت داشتن کشتی‌های بازرگانی و رودخانه‌ها و مسیرهای آبی داخلی انجام می‌گرفت که در دوره غازان با حفر «نهر غازانی» ارتباط آبی بین بغداد و دیگر شهرهای کنار دجله و فرات میسر بود (رشیدالدین فضل‌الله، ج ۲، ۱۳۷۲).

در دوره گیخاتو، نداشتن ثبات پولی و نبود معیار مشخص برای مسکوکات فلزی، مشکلات تجارت داخلی را تشدید می‌کرد. با این حال، در ولایات روم، فارس، کرمان، گرجستان و ماردین، حکام به نام خودشان سکه می‌زدند. هرچند گیخاتو یرلیغ (فرمان) داده بود؛ در تمام مملکت، عیار مسکوکات یکسان شود؛ اما به سبب عدم اقتدار، نمی‌توانست مانع از مغشوش بودن ضرب سکه‌ها شود (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۸۲؛ خواندمیر، همان: ۱۷۴). حتی اوزان و کیل‌های مشخصی برای انجام معاملات در بازارها وجود نداشت که این موضوع در زمینه ی بازرگانی داخلی خلل ایجاد کرده بود (اقبال، ۱۳۵۶: ۲۹۳/۱).

به همین دلیل بود که بعدها غازان خان دستور داد تا برای هر یک از اقلام مصرفی، حبوبات، گندم، جو، برنج و نخود، کیل‌های جداگانه‌ای تهیه کنند و بر چهار طرف آن بنویسند که برای سنجش کدام محصول به کار می‌رود. علاوه بر آن، افراد معتمدی آن کیل‌ها را مهر و هر ماه یک بار بازرسی می‌کردند و در صورت تخلف افراد خاطی تنبیه می‌شدند (وصاف، همان: ۳۸۸؛ رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۹۰؛ خواندمیر، ۱۳۶۲، ۱۸۵/۳). چون عیار مسکوکات و اوزان متفاوت بود، روند امور تجاری را با مشکل روبرو می‌کرد. از این رو، مردم بی‌اعتماد شده و از حمل مال‌التجاره خود به سایر ولایات امتناع می‌کردند. چرا که بین فروشنده و مشتری در باب وزن و عیار وزن و عیار مسکوکات اختلاف بوجود می‌آمد و بیشتر اوقات معاملات به ضرر فروشنده تمام می‌شد.

صدرالدین زنجان، وزیر گیخاتو، با نشر «چاو مبارک» درصدد رفع این بحران برآمد، اما این موضوع در روند تجارت و بازرگانی خلل ایجاد کرد، طوری که در درجه اول، باعث تعطیلی صنایع پایه‌ای که با طلا و نقره و مس کار می‌کردند شد و به همین دلیل، این صنف از تجار برای مدتی بیکار شدند (وصاف، همان: ۲۷۳؛ میرخواند، ۱۳۳۹: ۹۱۴). برای نمونه، در شیراز فروش کاغذ متوقف شد و کارکنان مربوط به صنف کاغذ فروشی بیکار شدند (وصاف، همان: ۲۷۴). همچنین بعد از رواج «چاو مبارک» در تبریز دکان‌ها به کلی

تعطیل شدند، نا امنی بوجود آمد، مواد اولیه مصرفی کمیاب و یا قطع شد تا جایی که مردم سکه های درهم را زیر پول کاغذی چاو گذاشته و از نانوا و قصاب مایحتاج خود را به دور از چشم سربازان حکومتی تهیه می کردند (وصاف، همان: ۲۲۷؛ ابن فوطی، همان: ۲۸۷). با وجود اینکه تبریز در این دوره به عنوان بارانداز مطرح بود و مردم تبریز بیشتر از راه تجارت زندگی می کردند، در ارتباط با بازرگانان جنوبی که تعدادشان هم در تبریز کم نبود، کالاهای تجاری که از هندوستان، بغداد و هرمز می آمد را عرضه می کردند (مارکوپولو، ۱۳۶۹: ۴۱). بازرگانان جنوبی (ژنی)، یک خط کشتیرانی در دریای خزر ایجاد کرده بودند تا به وسیله آن، ابریشم مرغوب گیلان را از طریق رود ولگا و دُن به اروپا برسانند (بیانی، ۱۳۷۱: ۹۷/۲). گیخاتو در این ایام به طور اتفاقی از بازار تبریز دیدن کرد و متوجه بسته بودن دکانها شد. از صدرالدین پرسید، علت چیست. وی در جواب گفت: یکی از بزرگان از صنف تجار مرده و به احترام وی دکانها را بسته اند (رشیدالدین، ۱۳۷۳: ۱۹۸/۳).

البته سخنان آقسرائ مبنی بر این که رواج چاو باعث جلای وطن تجار به سمت شام شده را نمی توان مؤید رکود تجارت خارجی دانست. چرا که «تجار در بحار فارس که از سرزمین های بیگانه می آمدند را از خزانه زر دهند و چاو آنها را دریافت کنند» در صورتی که با تجار داخلی برخوردی دیگر داشتند و اگر کسی معاملات را با چاو انجام نمی داد به یاسا می رسید (آقسرائ، ۱۳۶۲: ۱۸۲). علاوه بر آن، گاهی اوقات، نیروهای گیخاتو باعث ناامنی مسیرهای تجاری می شدند و کشتی های بازرگانی را غارت می کردند (ابن بطوطه، همان ۲۸۶).

در این دوره، ریاست گروه تجار با ملک التجار بود (نخجوانی، همان: ۳۲۶). آنان نفوذ فوق العاده ای در تجارت و عرصه حکومت داشتند. وام هایی که دولت گیخاتو از آنان گرفته بود، مؤید نقش مهم آنان است و نشان می دهد که دولت ایلخانی در آن دوره توان رقابت با آنان را نداشت (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۵۲). قرض گرفتن و با سود دادن، از مردم تجارت پیشه که در زمان اباقاخان مرسوم شده بود در دوره ی گیخاتو نیز رایج بود. چون عواید سلطنتی جوابگوی مخارج دولت را نمی داد، صدرالدین از تجار «قرض به سود می گرفت» و مقاطعان، جنسی را که به ده دینار می ارزید، به سی دینار قرض می کردند و

به چهل دینار به صدر جهان می‌دادند. از سوی دیگر، نواب دیوان آن را به ده دینار می‌فروخت، چهار دینار را برای خود برمی‌داشت و شش دینار آن را به صدر جهان می‌دادند. از این حیث، از هر چهل دینار اصل مال، شش دینار در وجه برات‌دار شاهی می‌نشست (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۳۲۰؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳/ ۱۶۵-۱۶۴). گذشته از آن، مشکل جدی در امر سود به ربح، عدم پرداخت به موقع وام و سود آن بود، که این امر باعث خرابی امور مالی و به تبع آن اوضاع تجارت می‌شد.

از تجار عمده عصر گیخاتو، می‌توان به شیخ‌الاسلام طیبی اشاره کرد. گیخاتو ایالت فارس را در ۶۹۳ ه.ق. به مقاطعه او درآورد. در زمان ملک‌الاسلام طیبی، روابط تجاری بین سواحل فارس و ممالک سند و هند غربی و شرقی گسترش یافت. مهم‌ترین کالای تجاری که از فارس به هند صادر می‌شد «اسب» بود، که ملک‌الاسلام از نواحی فارس، جزایر خلیج، عمان، هرمز، قطیف و احساء، اسب تهیه می‌کرد و از طریق فروش «اسب»، ثروت فراوانی بدست آورده بود (حسینی فسای، ۱۳۶۸: ۲۸۰/۱).

سخنان نخجوانی مؤید دریافت هزینه‌های گمرکی از ورود و صدور کالاها می‌باشد. برای نمونه، بازرگانانی که قماش یزد را به سلطانیه و تبریز صادر می‌کردند، برای ورود از تجار هزینه گمرک «به رسم جوزا» دریافت می‌کردند. وی از پارچه‌های اسکندری و قماش مصری نیز که مورد معامله قرار می‌گرفت یاد کرده است (نخجوانی، همان: ۳۶۶، ۳۸۹).

مالیات‌های سنگین و تعدی محصلین مالیاتی، گاهی اوقات تجار را در تنگنا قرار می‌داد. رشیدالدین برای جلوگیری از فشار بر تجار بصره چون منابع زیادی از طریق آن‌ها عاید مملکت می‌شد، در نامه‌ای به سنقرباورچی والی آنجا، سفارش لازم را گفته است (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۱). اما به سبب دخالت‌های بزرگان و مشارکت آنان در اداره قلمرو، سوء استفاده‌های آنان از اختیارات خویش، نفوذ گسترده ارتاق‌ها و دخالت‌های آنان در امور اجرایی، بی‌نظمی و ناامنی و بی‌ثباتی راه‌ها و رواج راهزنی در طرق ارتباطی، زورگیری‌هایی که در معابر و بازارها رایج بود، رواج رباخواری و مسائلی از این دست مشکلاتی در روند فعالیت‌های تولیدی و صنعتی بوجود آورده بود، اما مانع از تجارت و رکود آن در بعد خارجی نشد.

کشاورزی:

سیر تکامل کشاورزی ایران بسیار آرام بود. اغلب کتب قدیم مربوط به کشاورزی، طی قرون متمادی اطلاعات نسبتاً مشابه‌ای درباره چگونگی فنون مختلف کشاورزی و موارد استعمال آن در اختیار قرار می‌دهند. با بررسی کتب جغرافیایی چون نزهةالقلوب و منابعی که در ارتباط با فلاح و کشاورزی از قبیل ارشادالزارعه، رساله در علم فلاح و سایر منابع تاریخی نوشته شده اند، می‌توان به طور اختصار وضعیت کشاورزی را در این دوره مورد بررسی قرار داد.

اگر منابع طبیعی از قبیل اراضی زیرکشت و منابع انسانی را از مؤلفه‌های اقتصاد کشاورزی بدانیم، تهاجم مغولان به ایران باعث از بین رفتن آن‌ها شد که تا مدت‌ها این وضعیت ادامه داشت. خرابی‌های ناشی از ایلغار مغولان از عوامل اصلی رکود کشاورزی محسوب می‌شود. ابن اثیر، مورخ هم عصر این تهاجمات، ایلغار مغولان را بزرگ‌ترین حادثه جهان می‌داند. او می‌افزاید مغولان هر آبادی را که در مسیرشان بود، اگر ایل نمی‌شدند، آن را تخریب کرده و مزارع کشاورزی و چراگاه‌ها را از بین می‌بردند (ابن اثیر، ۱۳۵۶: ۲۶، ۱۲۵؛ جوزجانی، ۱۳۶۳: ۱۰۰-۹۱). جوینی مورخ دربار مغولان در این باره می‌نویسد: «هر کجا صد هزار خلق بود بی‌مبالغت صد کس نماند» (جوینی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). با توجه به گزارشهای سیفی هروی، موج این حملات در شرق ایران بخصوص ایالات خراسان بیشتر بود. طوری که با حمله مغول به هرات «نه مردم است نه گندم، نه خورش و پوشش» (سیفی هروی، ۱۳۸۱: ۲۱). ابن بطوطه نیز از خرابی کامل بلخ خبر داده است (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ۱، ۲۶۱).

شیوه زندگی مغولان در عصر ایلخانان قبل از غازان، تأثیر مستقیمی بر کشاورزی داشت، چرا که با غلبه دامداری و صحراگردی بر نظام سنتی تولید کشاورزی در ایران باعث شد تا لشکریان مغول صحرا گرد همراه دام‌هایشان کرده و مزارع را از بین ببرند. این سیاست داخلی در دوره گیخاتو نیز حکم فرما بود و باعث رکود کشاورزی و غلبه نظام صحراگردی در اقتصادی ایران می‌شد (رجب‌زاده، ۱۳۵۵: ۱۳۱).

علاوه بر آن، آگاهی از شرایط جوی در نحوه کاشت و برداشت محصولات کشاورزی بی‌تأثیر نبود و ایرانیان از این مسئله به خوبی بهره می‌بردند (هروی، ۱۳۵۶: ۷۳-۷۲). دو نوع کشت آدبی و دیم در ایران رایج بود (نخجوانی، همان: ۳۸۰؛ کرمانی، ۱۳۸۰: ۹۶). از غلات، گندم در بیشتر مناطق ایران تولید می‌شد که دارای تنوع محصول از قبیل: گندم زعفرانی، مروی، مکه، سیاه دانه و .. ترش جو، مشک جو، شوره جو و غیره بود (هروی، همان: ۷۹-۹۰). حمدلله مستوفی بیش از پنجاه ناحیه تولیدی گندم و جو را نام می‌برد؛ که خراسان اصفهان، خوزستان، ری، قزوین، قم، آذربایجان، کردستان و فارس از مهم‌ترین این ایالات بودند (مستوفی قزوینی، ۱۳۶۲: ۳۴، ۴۷، ۵۴، ۵۸، ۶۵، ۷۱، ۶۶).

برنج که محصولی ایرانی نبود و ظاهراً اصل آن از هند آمده است، در نواحی با آب و هوای گرم و آب فراوان تولید می‌شد (هروی، همان: ۹۶). نزه‌القلوب به مناطق ساحلی دریای خزر به خصوص؛ کناره‌های ارس، زنجان، نواحی جنوبی خوزستان به ویژه فیروزآباد و گشتاسف و غیره که در آن‌ها برنج تولید می‌شد اشاره می‌کند (مستوفی قزوینی، همان: ۶۲، ۸۴، ۸۶ و ۹۳). پنبه نیز گیاهی بود که علاوه بر استفاده از آن در صنعت پارچه بافی به مصارف روشنایی و خوراک دام نیز می‌رسید که در شهرهای فیروزآباد، فارس، خوزستان رامهرمز، بغداد، ری، قزوین، طالقان، کرمان و غیره تولید می‌شد (مستوفی قزوینی، همان: ۳۴، ۵۴، ۷۴، ۸۶، ۱۱۱، ۱۱۷، ۱۲۶، ۱۳۱).

تولید و بهره‌برداری از میوه‌جات در دوره ی مورد بحث جایگاه برجسته‌ای در اقتصاد کشور داشت. در شیراز انواع سیب شیرازی وجود داشت که نصف آن شیرین و نصف آن ترش بود. سیب تربت جام از لحاظ کیفیت مطلوبی که داشت نمونه آن در هیچ جا یافت نمی‌شد. در اصفهان هم محصول سیب به خوبی و فراوانی به عمل می‌آمد (قزوینی، همان: ۱۴۱؛ مستوفی قزوینی، همان: ۲۸۳، ۱۵۴). محصول خربزه در اکثر بلاد ایران بدست می‌آمد، بخصوص در زمین‌های ریگ بوم نوع عالی و شیرین تولید می‌شد. از انواع مختلف آن می‌توان خربزه مکانی، بستانی، طارمی، سفالجه، ابدالی، مگسی و بابری نام برد، تا جایی که در باغ «مخدوم نقابت پناه» که یکی از نقبای سادات اقطاع دار هرات بود، پنجاه نوع خربزه به عمل می‌آمد (هروی، همان: ۱۲۴-۱۲۰). هم‌چنین خرما و نیشکر در مناطق گرمسیری مانند: کرمان، فارس، رامهرمز، جرجان، سیستان، طبس و غیره به

خوبی عمل می‌آمد(قزوینی، همان: ۵۹، ۱۲؛ مستوفی قزوینی، همان: ۱۴۲-۱۳۸). انواع گل‌های نیلوفر، یاسمن، بنفشه و نسترن در صنعت عطر و گلاب قابل استفاده بوده که فیروزآباد از مهم‌ترین ایالات تولید کننده به شمار می‌رفت (همان: ۱۱۸).

در این دوره، تاکستان‌ها در بیشتر مناطق ایران به چشم می‌خورند. درخت تاک تنوع فراوانی داشت، تا جایی که «صد نوع آن در املاک نقابت پناهی» به عمل می‌آمد که شامل، خلیلی، سرخک، لعل، شاه انگور، پستان میش، سمرقندی و چشم مژه می‌شدند(هروی، همان: ۱۱۶-۱۰۵). انگور با کیفیت در نواحی ری، قزوین، ساوه، کاشان، اسدآباد، تبریز و پوشنگ به عمل می‌آمد و در ناحیه پوشنگ خراسان صد و چند نوع انگور پرورش می‌یافت(مستوفی قزوینی، همان: ۲۴، ۶۶، ۷۲، ۷۷، ۸۵، ۱۵۸) که در ارشاد الزارع، بهترین زمان جهت کاشتن نهال تاک، فصل خزان آمده است(هروی، همان: ۱۰۵).

بنابر گزارش نخجوانی، انبار کردن مازاد غلات و سایر محصولات کشاورزی امری مهم بود که کشاورزان بعد از گردآوری غلات، مازاد مصرف خود را به انبارهای حکومتی تحویل می‌دادند. این موضوع را مولف رساله ی در علم فلاحت با مثالی آورده است که «انار و بادمجان را در خمره ضبط می‌کنند و پیه بر سر آن می‌ریزند تا هوا داخل نرود و مانع از فساد پذیر شدن آن شود»(نخجوانی، همان: ۳۷۲؛ کرمانی، همان: ۱۰۹-۱۰۸). همچنین کشاورزان برای تولید بیشتر محصولات خود، زمین را با فضولات حیوانی(گاو، گوسفند، الاغ) و مرغان (کبوتر) بارور می‌کردند(کرمانی، همان، ۹۴).

آبیاری، آب و زمین از «شروط معظم» زراعت و کشاورزی می‌باشند(کرمانی، همان: ۸۵). گیخاتو در زمینه احداث منابع آبی جهت کشاورزی اقدام قابل توجهی انجام نداد. شیوه‌های آبیاری، استفاده از قنات، کاریزها و رودخانه‌ها، همچنان ادامه داشت(مستوفی قزوینی، همان: ۷۴، ۸۶، ۹۳). تنها غازان خان بود که با کمک وزیر دانشمندش، منابع پایه‌ای برای اقتصاد کشاورزی فراهم کرد که «نهرغازانی» در راستای این اهداف بود(رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۷۳: ۱۳۷۱/۲؛ ابن فوطی، همان: ۲۹۹).

ساختار اقتصادی کشاورزی از شیوه مالیات‌گیری ایلخان گیخاتو بی‌تأثیر نبود؛ چرا که شیوه‌های دلبخواهی جمع‌آوری مالیات‌ها باعث خرابی اراضی مزروعی شده بود. بنابر

گزارش رشیدالدین «قری و مزارع بلده سمنان و خوارو دامغان از توزیع و تکلیفات و اخراجات دیوانی به کلی خراب و بایر شده و از تخم و عوامل مستأصل گشته است» (رشیدالدین فضل‌الله، ۱۳۵۸: ۲۰-۱۹). علاوه بر آن، بصره، قزوین و یزد با توجه به مسأله مالیاتی بایر مانده بودند، که ایلخان گیخاتو نسبت به اراضی مزروع که بایر شده بودند، اقدامات جدی انجام نمی‌داد (خواندمیر، ۱۳۶۲: ۱۶۷/۳). بنابراین، عدم رسیدگی به اوضاع کشاورزان، ارائه ی زمین مناسب و آب فراوان، گرفتن مالیات های متنوع که باعث فرار زارعان و کشاورزان از روستاها شده بود و نوع زندگی صحراگردی مغولان که باعث ویران شدن مزارع می شد، دست به دست هم دادند تا کشاورزی در دوره ی گیخاتو از رونق کافی برخوردار نباشد.

نتیجه گیری:

ایلغار مغولان که باعث از رونق افتادن اوضاع صنعتی، کشاورزی و تجاری در ابتدای امر شده بود، اقتصاد این دوره را با رکود نسبی مواجه کرد. البته با به قدرت رسیدن ایلخانان این وضعیت تا اندکی تغییر یافت. دوره ایلخانان نخست به ویژه دوره ی گیخاتو، درگیری های سیاسی که از ابتدای سلطنت وی شروع شده بود، جنگ های هزینه آوری به دنبال داشت. این هزینه ها بیشتر از دریافت ها، قرض از ارتاق های بازرگانی، مالیاتها و غیره تامین می شد. گیخاتو چندان در گیر مسائل حکومتی نبود، لذا امیران و وزیران، رتق و فتق امور کشوری و لشگری را در دست داشتند. اغتشاش در مسئله ی پولی و کم بودن درآمدها برای هزینه های دولتی، انتشار پول کاغذی چاو را به دنبال داشت، که این موضوع در زمینه ی تجارت و اوضاع بازار اختلال به وجود آورد. اوضاع کشاورزی نیز با توجه به وضع مالیاتی و زندگی صحراگردی پیشرفت چندانی نداشت. دوره ی کوتاه مدت گیخاتو، با بحران سیاسی و اقتصادی مواجه بود. این شرایط اوضاع ایلخانان بعدی را تحت تأثیر گذاشت و اگر شروع انقراض دودمان ایلخانی را از زمان گیخاتو بدانیم، بی تردید به بی راهه نرفته ایم.

منابع:

- آقسرائی، محمود بن محمد (۱۳۶۲) مسامرة الاخبار و مسایرة الاخيار، تصحيح عثمان توران، تهران: انتشارات اساطير.
- ابن اثير، عزالدین علی (۱۳۵۵) الکامل، ترجمه ابوالقاسم حالت، تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن زركوب، ابوالعباس معین‌الدین احمد (۱۳۵۰) شیرازنامه، به کوشش اسماعیل واعظ جوادى، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن بطوطه (۱۳۷۰) سفرنامه، ترجمه محمدعلی موحد، تهران: انتشارات آگاه.
- ابن فوطی، کمال‌الدین عبدالرزاق بن احمد (۱۳۸۱) الحوادث الجامعة، ترجمه ی عبدالمحمدآیتی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۵۱) تاریخ مغول در ایران، ترجمه ی محمود میرآفتاب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اصفهانیان، داوود (۱۳۵۷) «چاو نخستین پول کاغذی در ایران» مجله ی تاریخ و تحقیقات ایران شناسی، سال سیزدهم، مرداد و شهریور ۵۷، تهران.
- اقبال، عباس (۱۳۵۶) تاریخ مفصل ایران، تهران: امیرکبیر، ج ۱.
- افلاکی العارفی، شمس‌الدین (۱۳۶۲) مناقب العارفين، تصحيح تحسین یازیجی، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ج ۲.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۱) دین و دولت در ایران عهد مغول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ج ۲ و ۳.
- پطروشفسکی، ای. ب و دیگران (۱۳۶۶) تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره مغول، ترجمه ی یعقوب آژند، تهران: انتشارات اطلاعات.
- پطروشفسکی، ای. ب (۱۳۸۱) «اوضاع اجتماعی و اقتصادی ایران در دوره ایلخانان»، تاریخ ایران کمبریج، ترجمه ی حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ج ۵.
- جوزجانی، منهاج سراج (۱۳۶۳) طبقات ناصری، تصحيح عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب.

جوینی، علاءالدین عطاملک (۱۳۸۸) تاریخ جهانگشای، تصحیح محمد قزوینی تهران: انتشارات نگاه.

حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۶۷) فارسنامه ناصری، تصحیح منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام الدین حسینی (۱۳۶۲) حبیب‌السير فی اخبار تاریخ بشر، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابفروشی خیام، ج ۳.

_____ (۱۳۵۵) دستورالوزراء، تصحیح سعید نفیسی، تهران: انتشارات اقبال.

رجب‌زاده، هاشم (۱۳۵۵) آیین کشورداری در عهد وزارت رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تهران: انتشارات توس.

رضوی، ابوالفضل (۱۳۸۸) شهر، سیاست و اقتصاد در عصر ایلخانان، تهران: امیرکبیر
سیفی هروی، سیف‌بن محمد (۱۳۸۱) تاریخ‌نامه هرات، به کوشش محمد آصف فکرت، تهران: انتشارات ادبی و تاریخی.

شبانکاره‌ای، محمد بن محمد (۱۳۶۳) مجمع‌الانساب، تصحیح میرهاشم محدث تهران: امیرکبیر.

قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۶۶) آثارالبلاد و اخبارالعباد، ترجمه ی عبدالرحمن شه فکندی، تهران: مؤسس علمی اندیشه جوان.

کاشانی، شمس‌الدین؛ «تاریخ منظوم (شاهنامه چنگیزی)» نسخه خطی شماره ۵۸۵ موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پشت ورق ۲۹۱ و روی ورق ۲۹۲.

کرمانی، محمدخان (۱۳۸۰ هـ.ق) رساله در علم فلاح، کرمان: چاپخانه سعادت.
منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۲۸) سمط‌العلی للحضرة العلیا، تصحیح عباس اقبال، تهران: انتشارات اساطیر.

مارکوپولو (۱۳۶۹) سفرنامه، برگردان منصور سجادی، تهران: انتشارات بوعلی.
میرخواند، محمد بن خاوندشاه (۱۳۷۳) روضه‌الصفاء، تلخیص عباس زریاب، تهران: انتشارات علمی.



مستوفی قزوینی، حمدالله (۱۳۶۲) نزهة القلوب، تصحیح گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.

_____ (۱۳۶۲) تاریخ گزیده، باهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.

نخجوانی، محمد بن هندوشاه (۱۹۷۱م) دستوارالکاتب فی تعیین مراتب، تصحیح عبدالکریم علی اوغلی علی زاده، مسکو: انتشارات دانش.

هروی، قاسم بن یوسف ابونصر (۱۳۵۶) ارشاد الزارع، باهتمام محمد مشیری، تهران: امیرکبیر.

همدانی، رشیدالدین فضل الله (۱۳۵۸) تاریخ مبارک غازانی، تصحیح کاریان، هرتفورد: نشرستفن اوستین.

_____ (۱۳۵۸) سوانح الافکار رشیدی، به کوشش محمدتقی دانش پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

_____ (۱۳۷۳) جامع التواریخ، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران: نشر البرز، ج ۲.

وصاف الحضرة، فضل ابن عبدالله شیرازی (۱۳۳۸) تجزیه الامصار و تجزیه الاعصار، تهران: انتشارات ابن سینا.

(از جناب آقای جواد راشکی کارشناس ارشد تاریخ دانشگاه مشهد که در تهیه برخی مطالب ما را یاری رساندند، تشکر می نماییم.)